

## الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم

المُعَجَمُ (١٦٠ كَلْمَةً جَدِيدًّا)

لا بِأَسَ : اشکالی ندارد  
لا شُكْرٌ عَلَى الْوَاجِبِ : وظیفه  
بود؛ تشکر لازم نیست  
مُتَحَفٌ : موزه  
مُكَرَّمٌ : گرامی داشته شده  
نُقُودٌ : پول، پولها

ذَلِيلٌ : راهنمای  
رَكِبٌ : سوار شد  
(مضارع : يَرْكِبُ)  
سَيَارَةُ الْأَجْرَةِ : تاکسی  
كَثُرٌ : زیاد شد  
(مضارع : يَكُثُرُ)  
كُنْتُ أَشْتَغِلُ : کار می کردم

إِدْخَالٌ : داخل کردن  
إِشْتَغَلَ : کار کرد  
(مضارع : يَشْتَغِلُ)  
بِئْرٌ : چاه  
تَعَالٌ : بیا  
تَفَضْلٌ : بفرما  
ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ : سی

گفت گو میان زائر و راننده تاکسی

- سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

- سلام بر شما

باد! کجا می روید؟

- خوش آمدید بفرمایید سوار شوید. - به موزه مکه مکرمه می رویم.

- چهل ریال - چند ریال از ما می گیری؟

- ببخشید سی ریال برای هر زائر ده ریال. - کرایه گران است. ما سه نفر هستیم.

- آیا پول ایرانی قبول می کنی؟  
بله. اشکالی ندارد. ای جوانان آیا شما ایرانی هستید؟
- بله و تو اهل کجا هستی؟  
من پاکستانی هستم و در اینجا مشغولم. در
- آیا تاکنون موزه را دیده‌ای؟  
کشورم در مزرعه کار می‌کردم
- آیا زیارت ندارم.  
نه؛ ندیده‌ام. فرصت ندارم.
- چرا به آنجا نرفتی؟  
زیرا من از صبح تا شب کار می‌کنیمو
- ببخشید ساعت چند است؟  
ده تمام.
- همراه ما بیا. سپس با هم برمی‌گردیم.  
نه؛ نمی‌توانم. بسیار سپاسگزارم.
- آیا می‌پذیری،

### ۱۰ گفت گو میان زائر و راهنمای موزه

- در این موزه چه چیزی هست؟  
آثار تاریخی حرمین شریفین.
- و این ستون چیست؟  
ستون چوبی کعبه.
- و این آثار چیست؟  
درب منبر قدیمی مسجد پیامبر. آثار  
چاه زمزم، تصاویر حرمین شریفین و  
مقبره بقیع و آثار زیبای دیگر
- به خاطر توضیحات سودمندان -  
وظیفه بود؛ نیازی به تشکر نیست.  
سپاسگزارم.

 درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

نادرست درست

- |                                     |                                     |  |
|-------------------------------------|-------------------------------------|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۱. آَزُوْاْرُ الْإِيرَانِيُّونَ رَكِبُوا حَافَلَةً الْفُندُقِ.<br>زائران ایرانی سوار اتوبوس هتل شدند.                        |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۲. كَانَ الزُّوْاْرُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ.<br>زائران به شهر مدینه منوره می رفتند.                   |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            | ۳. كَانَ السَّائِقُ يَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهَرِ.<br>راننده از صبح تا ظهر کار می کرد.                         |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزُّوْاْرِ.<br>راننده تاکسی سی ریال از زائران دریافت کرد. |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> | ۵. فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.<br>در موزه آثار تاریخی حرمین شریفین وجود دارد.        |

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی  ( كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می‌دانند)

ماضی ساده: نشان دهنده کاری است که در گذشته انجام و تمام شده است؛

مثال: نوشته، گفت.

ماضی استمراری: نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛

مثال: می‌نوشت، می‌گفت.



الْبِنْتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ واجِباتِهِما.

..... دختران تکالیف‌شان را می‌نوشتند.



الْطُّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.

دانش آموزان به دقت درس می خوانند.

۱. در ارزشیابی، سوالی که حرف (الف) در فعل (كان) حذف می‌شود؛ مانند: «**كُنْ يَسْمَعَنَ**» طرح نشود.

## فَنْ ترجمة

۱. فعل «كان» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی می‌شود؛ مثال:

﴿وَ مَا ظَلَمُهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ التَّحْلِيل  
و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشتن ستم می‌کردد.

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿...كَانَا يَأْكُلُانِ الطَّعَامَ...﴾ المائدة ۷۵

آن‌ها غذا می‌خورند.

۲. ﴿...كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ المائدة ۶۳

می‌ساختند.

۳. ﴿...كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الأنعام ۱۲۷

کار می‌کردند.

۴. ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ البقرة ۷۵

گروهی از آنها کلام خدرا می‌شنیدند.

۵. كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكَتبَةِ.

دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خوانندند.

## الْتَّمَارِينَ



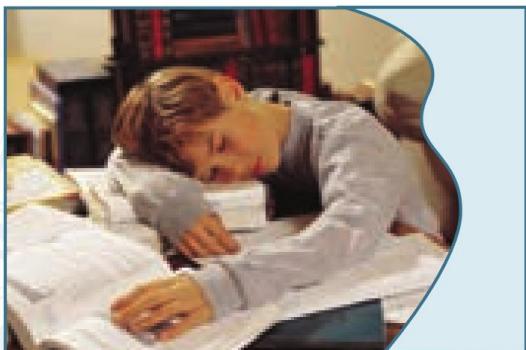
### التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

١. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَشْتَغلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.  
راهنمای موزه در کارگاه درب و پنجره ها کار می کرد.
٢. الْبَئْرُ حُفَرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا ماءٌ أَوْ غَيْرُهُ.  
چاه حفره عظیمی است در زمین که در آنجا آب یا چیزهای دیگری است.
٣. فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ.  
در موزه آثار تاریخی برای خرید و فروش وجود دارد.
٤. الْبَطَارِيَّةُ مَخْرَنُ الْكَهْرَباءِ فِي السَّيَارَةِ.  
باطری انبار(مخزن) برق در خودرو است.
٥. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.  
خانه خدا در مکه مکرمه است.

### التَّمَرِينُ الثَّانِي

بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتاً وَ هُمْ الآنَ وَاقِفُونَ. كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِباتِهِ؛ فَأَخَذَهُ التُّومُ  
كارگران خانه می سازند و آنها حالا ایستاده اند..... برادر کوچکم تکالیفش را می نوشت، پس خوابش گرفت.

## التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

**يَرْكِبُونَ / يَشْتَغِلُ / نُقُودٍ / تَعَالَ / الْبَئْرُ / تَفَضْلٌ / دَلِيلٍ**

۱. أَيْنَ ..... يَشْتَغِلُ ..... أَخْوَكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنَظَّمَةِ الْأَمْمِ الْمُتَّحِدَةِ.

برادر بزرگ ترت در کجا کار می کند؟ - او در سازمان ملل کار می کند.

۲. الدِّرْهَمُ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ الْلِّيَرَهُ أَسْمَاءُ ..... نُقُودٍ .....

درهم و دینار و ریال و لیره اسم‌های پول هستند.

۳. حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى ..... دَلِيلٍ ..... السَّفَرِ.

حجیان کاروان به راهنمای سفر نیاز داردند.

۴. إِسْتَخْرَاجُ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِن ..... الْبَئْرِ ..... لِلزِّرَاعَةِ.

کشاورزان برای کشاورزی آبی از چاه استخراج می کنند.

۵. كَانَ التَّلَامِيدُ ..... يَرْكِبُونَ ..... حَافَلَةً الْمَدَرَسَةِ.

دانش آموزان سوار اتوبوس مدرسه می شدند.

## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شَنِيد	يَسْمَعُ	مِنْ شَنِيد	كَانَ يَسْمَعُ	مِنْ شَنِيد
آنَقَدَ	نجات داد	يُنْقِذُ	نجات می دهد	كَانَ يُنْقِذُ	نجات می داد
إِشْتَغَلا	کار کردند	يَشْتَغِلَانِ	کار می کنند	كَانَا يَشْتَغِلَانِ	کار می کردند
حاَوَلوا	تلاش کردند	يُحاَوِلُونَ	تلاش می کنند	كَانُوا يُحاَوِلُونَ	تلاش می کردند
سَأَلَّنا	پرسیدند	تَسْأَلَانِ	می پرسند	كَانَتَا تَسْأَلَانِ	می پرسیدند
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ	کمک می کنند	كَانُوا يُسَاعِدُونَ	کمک می کردند

## ٤٠ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

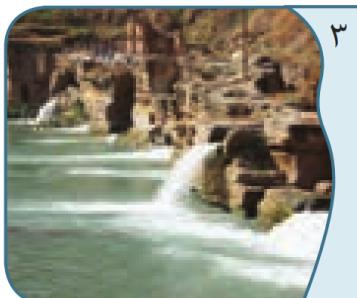
● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- |                                    |   |
|------------------------------------|---|
| <p>١. الْكَهْرَباءُ<br/>برق</p>    | <p>طَاقَةٌ تَشَغِّلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّناعِيَّةُ.</p>                           |
| <p>٢. الْمَطَرُ<br/>باران</p>      | <p>هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ.</p>                             |
| <p>٣. الْرَّئِيْسِيُّ<br/>اصلی</p> | <p>أَوْ كَسَيْ أَسْتَ كَهْرَباءَ آبَيْ إِنْ بَرَانَ وَ ادَوَاتَ صَنْعَتِيَّ كَارَ مَيْ كَنَندَ.</p> |
| <p>٤. الْعَدُوُ<br/>دشمن</p>       | <p>قَطَرَهَاهِيَّ آبَيْ إِنْ بَرَانَ وَ ادَوَاتَ صَنْعَتِيَّ كَارَ مَيْ كَنَندَ.</p>                |
| <p>٥. الْفَلَاحُ<br/>کشاورز</p>    | <p>قَطَرَهَاهِيَّ آبَيْ إِنْ بَرَانَ وَ ادَوَاتَ صَنْعَتِيَّ كَارَ مَيْ كَنَندَ.</p>                |
| <p>٦. الْنَّارُ<br/>نار</p>        | <p>نَتْيَجَةُ احْتِرَاقِ الْخَشِبِ وَ غَيْرِهِ.</p>   |

## ٥٠ التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● زیر هر تصویر<sup>۱</sup> نام آن را به عربی بنویسید.

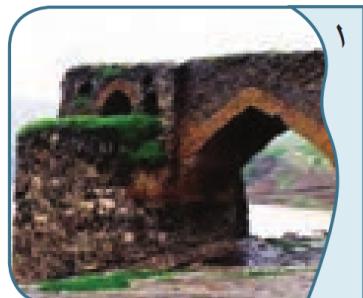
«شَلَالُ شُوشَتْ / عَلَمُ إِيْرَانَ / جِسْرُ جَاوَمِيشَانَ / سُوقُ كَرْمَانَ / غَابَةُ مَدِيْنَةِ مِينُودَشْتَ / عَيْنُ بَيْسَتُونَ»



شَلَالُ شُوشَتْ



جِسْرُ جَاوَمِيشَانَ



جِسْرُ جَاوَمِيشَانَ



عَلَمُ إِيْرَانَ



غَابَةُ مَدِيْنَةِ مِينُودَشْتَ



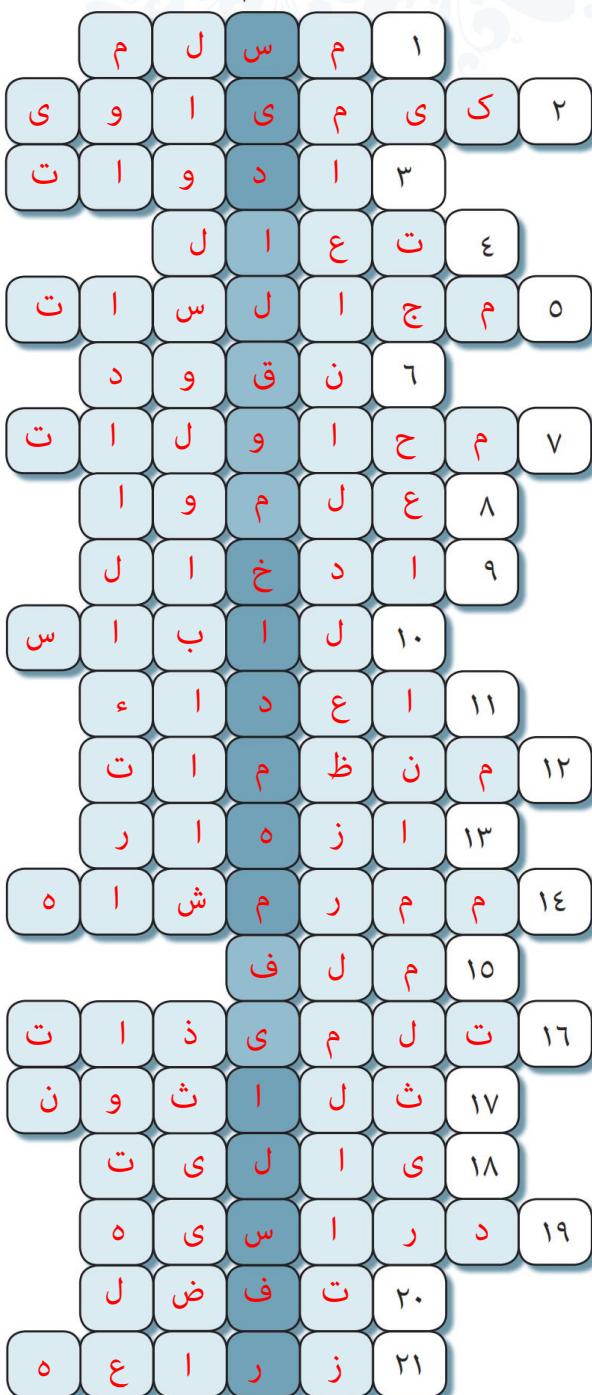
عَيْنُ بَيْسَتُونَ

<sup>۱</sup>. تصویرهای بالا به ترتیب از استان‌های: ۱. ایلام و لرستان. ۲. کرمان. ۳. خوزستان. ۴. کرمانشاه. ۵. گلستان است.

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.  
کیمیا<sup>ی</sup> / أدوات / مُسِلِم / نُقُود / مُجَالَسَات / مُحَاوَلَات / مِلَف / أَرْهَار / إِدْخَال / عَلِمُوا / لَا بَأْسَ /

مَمْرُّ مُشَاهَة / تَعَال / مُنَظَّمَات / أَعْدَاء / زِرَاعَة / تَقْضَلُ / تِلْمِيذَات / ثَلَاثُونَ / يَالِيتَ / دِرَاسِيَّة

رمز ↓



- (۱) مسلمان
- (۲) شیمیا<sup>ی</sup>
- (۳) ابزارها
- (۴) بیا
- (۵) همنشینی‌ها
- (۶) پول
- (۷) تلاش‌ها
- (۸) دانستند
- (۹) داخل کردن
- (۱۰) اشکالی ندارد
- (۱۱) دشمنان
- (۱۲) سازمان‌ها
- (۱۳) شکوفه‌ها
- (۱۴) گذرگاه پیاده
- (۱۵) پرونده
- (۱۶) دانشآموزان (دختر)
- (۱۷) سی
- (۱۸) ای کاش
- (۱۹) تحصیلی
- (۲۰) بفرما
- (۲۱) کشاورزی

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

رمز : ه سید القوم خادمهم فی السَّفَر (بزرگ قوم در سفر خدمتگزارشان است). ه

## كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

الْأَحَبُ إِلَى اللَّهِ (محبوب ترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِذْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ.»

محبوب ترین کارها نزد خداوند پس از واجبات دینی، شاد کردن مسلمان است.

۲. «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كُثِرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي.»

محبوب ترین خوراک نزد خدا آن است که دستها بر آن زیاد باشد.

۳. «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ يَعْلَمُ فِيهِ يَتِيمٌ مُّكَرِّمٌ.»

محبوب ترین خانه هایتان نزد خدا خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود.

۴. «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمند ترین آنها به بندگانش است.

۵. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ الْلِّسَانِ.»

محبوب ترین کارها نزد خداوند حفظ زبان است.



## تحقيق

در یک صفحه کتاب درسی فارسی، زیر کلمات دارای ریشه عربی خط بکشید؛ سپس

همه کلمات آن را بشمارید و درصد کلمات عربی را معلوم کنید. به عهده دانش آموز عزیز